

رویکرد مسجدمحوری در تأسیس شبکه‌های اجتماعی اسلامی

رضا رضائی تبار

کارشناس ارشد مدیریت اجرایی. پردیس فارابی دانشگاه تهران. قم. ایران.

rzeaeitabar@yahoo.com

چکیده

رویکرد مسجدمحوری برگرفته از الگوی محله‌محوری در تعاملات اجتماعی بوده و بر احیای هویت محله‌ای با مدیریت اسلامی و سنت نبوی در صدر اسلام تأکید می‌کند. در این مقاله از مفهوم شبکه‌سازی و شبکه‌های اجتماعی در دو فضای واقعی (با ارتباط فیزیکی) و مجازی (اطلاعاتی و ارتباطی) به منظور هم‌افزایی هم‌بستگی و سرمایه اجتماعی و انسانی بهره گرفته و با در نظر گرفتن شواهد تاریخی و ارزش‌ها و آموزه‌های دینی، کانون‌های عظیم و پر ظرفیت مساجد، به‌عنوان بسترهای عملی فعالیت شبکه‌های اجتماعی اسلامی معرفی شده‌اند. پژوهشی کاربردی در زمینه رویکرد مسجدمحوری در ارائه خدمات حمایتی به نیازمندان و تأسیس و گسترش شبکه نیکوکاری در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های اجتماعی محله‌مبنا، با استفاده از روش توصیفی در دو سطح انجام شده است: در سطح نخست، مشاهدات و مصاحبه‌های انجام‌شده و نظرخواهی از ۱۷۵ نفر از خیرگان مسئول در بخش ارائه خدمات حمایتی کشور بررسی شد و به‌عنوان زمینه‌ای کاربردی، علاوه بر تعامل مناسب و استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و تجارب خیریه‌های موجود بر ایجاد یا تقویت گونه‌های جدیدی از سازمان‌های مردم‌نهاد وابسته به عامه مردم تأکید شده و مورد تأیید جامعه آماری قرار گرفته است که

شامل تشکل‌های داوطلبانه حمایتی محله‌محور به مرکزیت مساجد و در قالب شبکه نیکوکاری است. در سطح دوم که به صورت موردی از ۱۲ مرکز نیکوکاری تأسیس شده در مساجد استان قم انجام شده، نمونه ۱۱۰ نفری از ساکنان محله‌ها مورد پژوهش میدانی قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش، توفیق ظرفیت‌ها و کارکردهای مختلف شبکه‌سازی از مساجد را به‌ویژه در جهت احیای آموزه‌های دینی در زمینه انفاق و نوع‌دوستی، دستگیری از نیازمندان و همسایگان و متعاقب آن، افزایش هم‌بستگی اسلامی و سرمایه اجتماعی در سطح محله‌ها نشان می‌دهد. **کلیدواژه‌ها:** رویکرد مسجدمحوری،^۱ سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs)،^۲ سازمان‌های مردمی محله‌مبنا (CBOs)،^۳ شبکه‌های اجتماعی اسلامی.^۴

۱. مقدمه

شبکه‌های اجتماعی متشکل از گروه‌ها یا افرادی تعریف شده‌اند که با وابستگی‌هایی به یکدیگر مرتبط شده‌اند که این وابستگی‌ها می‌تواند اهداف، آرمان‌ها، مسائل مادی یا مسائل دینی و معنوی باشد. نوع ارتباط نیز تا حد زیادی به این وابستگی‌ها و همچنین افراد وابسته متکی است. افراد پس از ورود به این ارتباط، از جنبه‌های شخصیتی و هویتی، تأثیر و تأثر متقابلی بر شبکه اجتماعی خود خواهند داشت. در یک تقسیم‌بندی کلان این شبکه‌ها به دو دسته واقعی و مجازی تقسیم می‌شوند. در شبکه‌های اجتماعی واقعی افراد به صورت رودررو قابلیت دسترسی فیزیکی به یکدیگر را دارند. امروزه اجتماعات محلی مهم‌ترین نوع این شبکه‌ها مطرح شده‌اند.

از طرفی، مساجد از صدر اسلام تاکنون همواره مرکز اجتماعات محلی و معنوی و به‌عنوان سنگرهایی برای تحولات اجتماعی، به‌ویژه در برابر تهاجم فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی مطرح بوده و نقش اساسی داشته‌اند. درباره رویکرد مسجدمحوری در مشارکت‌های اجتماعی نظام اسلامی به جرأت می‌توان ادعا کرد شایسته‌ترین عرصه و بهترین مکان برای تعاملات و مشارکت‌های اجتماعی در هر جامعه و نظام اسلامی از زمان صدر اسلام تاکنون، کانون مقدس مساجد بوده است. آنچه از بررسی نقش مسجد در صدر اسلام به دست می‌آید، جامعیت مسجد

1. Mosque-Based Approach
2. Non Governmental Organizations
3. Community-Based Organizations
4. Islamic Social networks

در همهٔ زمینه‌های عبادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، نظامی، قضایی و... بوده و محور همهٔ آنها امامت، پیشوایی و رهبری در مسجد است که به‌عنوان مهم‌ترین مسئله در ساختار و پیکرهٔ این مکان مقدس مطرح است. با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (رحمة الله علیه)، مساجد نیز همانند دوران صدر اسلام جایگاه واقعی خود را بازشناختند. به طوری که نیروهای فعال در مساجد به طور مستقیم در متن انقلاب شرکت جستند و از آن پس مساجد نقش پایگاه ارتباطی مردم را به‌عهده داشتند و در موقعیت‌های حساسی که نهضت اسلامی فاقد هرگونه تشکیلات منطبق با معیارهای اسلامی بود، مساجد توانستند این نارسایی مهم را جبران کنند و به انسجام نیروهای مردمی بپردازند؛ علاوه بر این، بسیاری از برنامه‌های انقلاب مانند رفراندوم، شوراها محلی، کانون‌های بسیج و دیگر ضرورت‌های زمان در مساجد انجام می‌گرفت (رضایی تبار و دیگران، ۱۳۹۱).

با عنایت به ماهیت نظام جمهوری اسلامی و دورکن مردمی و اسلامی آن، و با توجه به نقش و اهمیت کارکردها و ظرفیت‌های مساجد، هدف اصلی این مقاله ارائهٔ الگوی کاربردی از شبکه‌سازی برای مدیریت اسلامی و مهندسی تحولات فرهنگی و اجتماعی با رویکرد آینده‌نگرانه بوده و به دنبال روش‌هایی برای بازشناسی جایگاه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های وسیع و کارکردهای متنوع مساجد به‌عنوان الگوی کلان راهبردی در نظام مدیریتی جوامع اسلامی است.

۲. ملاحظات نظری و پیشینهٔ تحقیق

با توجه به موضوع مقاله، مباحث اصلی نظری این پژوهش در سه قالب بررسی شده است: الف) نگرش مسجدمحوری در نظام مدیریتی حاکمیت اسلامی و تحولات فرهنگی و اجتماعی جوامع مسلمان، ب) اهمیت نگرش و مدیریت راهبردی در ارائهٔ الگوی کاربردی جامع و آینده‌پژوهانه با عنایت به مختصات بومی ایرانی و اسلامی، ج) مطالعه تطبیقی درخصوص نقش و جایگاه شبکه‌های اجتماعی، اجتماعات و سازمان‌های مردم‌نهاد محله‌محور در تحولات فرهنگی و اجتماعی جهان معاصر.

۱-۲. رویکرد مسجدمحوری در تحولات اجتماعی جوامع اسلامی

مسجد در لغت، به‌معنای مکان سجده و محل نهادن پیشانی بر خاک در محضر پروردگار متعال است و در اصطلاح، خانه‌ای برای سجده به درگاه خدا است (طباطبایی، ۱۳۷۶). نکتهٔ مهم در تحلیل جامعه‌شناختی در نظرگرفتن جایگاه و کارکرد مساجد و تجمعات مذهبی به‌عنوان مؤلفه‌های

مهم پایگاه اجتماعی است. در دوره‌های مختلف و با توجه به وقایع تاریخی و سیاسی پیش آمده، گاهی مساجد، گوشه‌ای از کارکردهای اولیه را بنابر ضرورت‌های اجتماعی و به‌صورت مقطعی و زودگذر عهده‌دار شده‌اند. در دوران پهلوی دوم نیز یکی از فعال‌ترین پایگاه‌های تحریک و تهییج و حمایت مردم برای انقلاب، مساجد بودند. به عقیده حامد الگار «یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و تمامی ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد، دیگر گوشه عزلت از جامعه نبود بلکه برعکس، مسجد به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل شد» (الگار، ۱۳۶۵). مساجد در دوران انقلاب، کارکردهای مختلفی داشته‌اند. مساجد در محله‌ها، وظیفه راهبری مردم را در امور اجتماعی به‌عهده داشتند. همچنین، پایگاه تجمع نیروهای انقلاب و حرکت تظاهرات و ابراز اعتراض‌های مردم بود. اما از منظر تحولات فرهنگی و اجتماعی، مساجد در دوران انقلاب اسلامی، نقش شبکه‌های اجتماعی را ایفا کرده و به‌عنوان مهم‌ترین مراکز ارتباطی جریان اسلام‌گرا و انقلابی که در سراسر مناطق ایران حتی در دوردست‌ترین مناطق وجود داشت، نقش مهمی را در جلب همکاری انقلابیون ایفا کرد. داشتن چنین پتانسیلی، صرفاً مختص جریان اسلام‌گرا بود. «جان استمپل» از وابستگان سفارت آمریکا در ایران در این باره می‌نویسد:

«در کشور ۳۵ میلیونی ایران، تقریباً ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار روحانی وجود دارند. سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای ارسال پیام از شهری به رهبران شهر دیگر، از طریق شبکه مسجد انجام می‌گرفت که توسط روحانیون رده‌بالا سازمان می‌یافت» (استمپل، ۱۳۷۷).

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه)، به‌طور مکرر در فرمایشات خود به مناسبت‌های گوناگون به اهمیت و نقش راهبردی مساجد تأکید ویژه‌ای داشته‌اند. ایشان بارها از مسجد به‌عنوان سنگر و خنثی‌کننده نقشه‌های دشمن یاد کرده‌اند:

«اینها (دشمنان اسلام و انقلاب) از مسجد می‌ترسند. من تکلیفم را باید ادا کنم به شما بگویم، شما دانشگاهی‌ها، شما دانشجوها، همه‌تان مساجد را بروید پر کنید، سنگر هست اینجا، سنگرها را باید پر کرد» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۲).

همچنین درباره مسجد به‌عنوان مرکز انقلاب و تداوم آن فرموده‌اند:

«مسجد محلی است که از آن باید امور اداره بشود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. این‌طور نباشد که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؟ پیروزی ما برای اداره مسجد است» (همان: ج ۱۳).

نیز درباره کارکرد مساجد به‌عنوان مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی فرموده‌اند:

«مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده... از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است. از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. شما که از اهالی مسجد و علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام (صلی الله و علیه و آله) و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامی و قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار دهید» (همان: ج ۷، ص ۶۵).

همچنین، مقام معظم رهبری بارها بر اهمیت و کارکردهای مساجد و نقش این مراکز دینی در به‌ثمررساندن اهداف انقلاب اسلامی تأکید کرده‌اند که به نمونه زیبا و ادبی از آن اشاره می‌شود.

«پدیدآوردن هویتی به نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه در شمار زیباترین و پرغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه اسلامی است: خانه خدا و خانه مردم؛ خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم؛ کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی؛ جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به‌هم‌پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های ادیان دیگر را نمایان می‌کند. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم، در هم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به تراز اسلامی آن نزدیک می‌کند. مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی هر دو جامعه در دیدگاه و اندیشه مکتب اسلامی است. با این نگاه، دل‌های ما برای مسجد می‌تپد و از شوق و احساس مسئولیت لبریز می‌شود. امروز در میان مساجد ما کم نیستند آنهایی که می‌توانند نمایی از این تصویر زیبا و شوق‌انگیز را به نمایش درآورند. حضور نسل جوان پاک‌نهاد ما و حضور روحانیون و معلمان آگاه و دلسوز، مسجدهایی را به‌درستی کانون ذکر و عبادت و اندیشه و معرفت ساخته و یادهای عزیز و گران‌بها را در دل‌های ما برانگیخته است. اما تا این وظیفه به تمام و کمال گذارده نشود، هیچ‌یک از ما نباید و نمی‌توانیم از خطری که از کمبود مسجد و ضعف و نارسایی، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد تراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می‌کند محروم کنیم»^۱.

۱. قسمتی از پیام مقام معظم رهبری به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۸ مهر ۸۹ (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری به نشانی: www.leader.ir).

۲-۲. اهمیت نگرش و مدیریت راهبردی در ارائه الگوی کاربردی اجتماعی

الگوها و راهبردهای هوشمندانه و آینده‌پژوهانه که قابلیت کاربرد در جامعه را داشته باشد، در اصل زائیده تفکر و نگرش راهبردی و یک تفکر کل‌نگر است که نیازمند تفکر براساس فرایندها به جای رویدادها است؛ بنابراین، تفکر راهبردی نیازمند رویکردی دوجبهی است: از یک سو، حساسیت به تعاملات دقیق میان بخش‌های مختلف سازمان و درک علت‌های ساختاری رفتار و اثرهای آنها بر بخش دیگر است و از سوی دیگر، ارتباط و وابستگی و تأثیرهای متقابل سیستم‌های خارج از سازمان بر سازمان مورد توجه است. تفکر راهبردی خود را در دو سطح متفاوت نمایان می‌کند: سطح فردی و سطح سازمانی. تفکر راهبردی در سطح فردی به معنی درک کلی از سازمان و محیط آن، خلاقیت و نوآوری، تحول‌پذیری و چشم‌اندازی بر آینده سازمان است، اما تفکر راهبردی در سطح سازمانی زمينه‌ای را فراهم می‌کند که در آن بتوان از تفکر راهبردی فردی بهره‌مند بود. تفکر راهبردی در سطح سازمان به کمک افراد به گفتمان‌های راهبردی ارتقا می‌یابد (Mintzberg, 1998).

نگرش و مدیریت راهبردی شامل یک فرایند هفت مرحله‌ای است که عبارت‌اند از: شناسایی مأموریت‌ها، اهداف و راهبردها؛ تجزیه و تحلیل محیط و شناسایی فرصت‌ها و مسائل؛ شناسایی منابع و نقاط قوت و ضعف؛ شناخت وضع کنونی و ارزیابی مجدد اهداف و طرح‌های اساسی؛ تعیین راهبردهای مناسب؛ اجرای راهبردها و ارزیابی برنامه. در مرحله پنجم که تعیین راهبردهای مناسب است، می‌توان از چهار راهبرد اصلی سود جست: راهبرد ثبات (ادامه روند گذشته)، راهبرد توسعه، راهبرد بازسازی و راهبرد ترکیبی (زارعی‌متین، ۱۳۸۸). به دلیل اینکه راهبرد ترکیبی راهبردهای مختلف را متناسب با محیط و به اقتضای شرایط انتخاب می‌کند، در این مقاله بیشتر به آن توجه شده است.

همچنین، بنابر ویژگی‌ها و مختصات که مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ترسیم و تبیین کرده‌اند، تحلیل محیطی ملی و بین‌المللی این الگو برای غلبه بر پیچیدگی‌های حاصل از پویایی و تعاملات محیطی، بدون استفاده یا به‌کارگیری مفاهیم و مطالعات راهبردی امکان‌پذیر نیست. اما به دلیل تفاوت ماهوی الگوی موردنظر رهبری با زمینه و اهداف تحقیقات و نظریه‌ها درباره مدیریت استراتژیک که بیشتر بر مبنای تحلیل رقابت بازار و افزایش سود انجام می‌شود، لازم است استفاده از این مفاهیم توأم با خلاقیت و به‌صورت بومی شده باشد.

۲-۳. شبکه‌های اجتماعی محله‌محور و بازمهندسی تحولات اجتماعی (مطالعه تطبیقی)

یک شبکه اجتماعی شامل مجموعه محدودی از کنشگران و رابطه یا روابط مشخص در بین آنان است (wasserman & faust, 1994). امروزه این شبکه‌ها به دلیل قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاص توجه بسیاری از مخاطبان و به‌ویژه جوانان را به خود جلب کرده‌اند و در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته واقعی و مجازی تقسیم می‌شوند. در شبکه اجتماعی مجازی اعضا از طریق وسایل ارتباطی با یکدیگر رابطه می‌گیرند اما در شبکه‌های اجتماعی واقعی، اعضا به یکدیگر دسترسی داشته و یکدیگر را بی‌واسطه ملاقات می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۱)؛ به عبارت بهتر، شبکه‌های اجتماعی که ماهیت غیر مجازی دارند شامل روابط متقابل رودررو بین محدود افرادی هستند که یکدیگر را می‌شناسند و به واسطه پیوندهای قومی، دوستی یا همسایگی به هم وابسته‌اند (پاتنام و دیگران، ۱۳۸۴). همچنین، پاتنام معتقد است شبکه‌های مشارکت مدنی نظیر انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرودخوانی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی و احزاب، کنش افقی شدیدی را به نمایش می‌گذارند که یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی است؛ از این رو، شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی هستند و هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است. شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند. این هنجارها شبکه‌های ارتباطی را تقویت می‌کنند که به کسب حسن شهرت و وفای به عهد و پذیرش هنجارهای رفتار جامعه محلی متکی هستند. پوتنام دریافت که تفاوت در ساختار اجتماعی بر عملکرد اقتصادی تأثیرگذار است. در مناطقی که ارتباطات اجتماعی به صورت افقی گسترده بوده و بر پایه اعتماد و ارزش‌های مشترک است، مشارکت در سازمان‌های اجتماعی، بیشتر و سرمایه اجتماعی نیز بالاتر است (پاتنام، ۱۳۸۰).

شبکه‌های مشارکت مدنی، تجسم موفقیت در همکاری هستند که می‌توانند به عنوان یک چهارچوب فرهنگی شفاف برای همکاری آینده عمل کنند. مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. این مشارکت می‌تواند در دو بعد مطرح شود: بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در نتیجه اعتماد ایجاد می‌شود و بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند که همان پیوند عینی افراد است (موسوی، ۱۳۸۵).

از طرفی، اجتماعات مردمی یا سازمان‌های مردم‌نهاد از سال‌ها قبل موجودیت یافته‌اند و در

عصر کنونی، با انجام کارهای غیرانتفاعی، داوطلبانه و غیرسیاسی در قالب جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی خودجوش و برآمده از مردم، جایگاه خود را در بسیاری از جوامع کنونی یافته‌اند، به طوری که تعدد و افزایش روزافزون این سازمان‌ها در همه عرصه‌های ملی و بین‌المللی، باعث بالارفتن نقش و قدرت آنها در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان ملی و بین‌المللی شده است. این سازمان‌ها را می‌توان به‌عنوان تقویت‌کننده انسجام و اعتماد اجتماعی منظور کرده و پیشگام در تحولات اجتماعی دانست. ارتباط سازمان‌های مردم‌نهاد با فرد فرد مردم جایگاه ویژه‌ای به آنها بخشیده و این‌گونه سازمان‌ها یا تشکل‌های مردمی را می‌توان به‌عنوان بخشی از جامعه در کنار دولت، کانال ارتباطی میان مردم و حکومت و بازیگران مهم و اثرگذار در مسائل آتی بین‌المللی در نظر گرفت. توجه به یک نکته بسیار ضروری است که این سازمان‌ها از سال‌ها قبل در سرتاسر جهان متولد شده و در بسیاری از مناطق به رشد و بالندگی رسیده‌اند. بدیهی است هر جامعه یا کشوری نخواهد یا نتواند از این ظرفیت عظیم و موج در حال ظهور و تکامل عصر حاضر، در جهت اهداف ملی و اجتماعی خود بهره‌گیرد، چه بسا مهم‌ترین سرمایه انسانی و فرصت‌های محیطی خود را به یک آسیب و تهدید جدی تبدیل کرده است (سیمبر، ۱۳۷۸).

به‌کارگیری ظرفیت‌های مردمی در قالب تشکل‌های مردمی بیش از هر چیز نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنان یک اجتماع محله‌ای و تقویت بسترها و زمینه‌های هویت‌ساز محله‌ای است. با این رویکرد، یکی از مهم‌ترین و زیباترین عرصه‌ها فعالیت سازمان‌ها یا تشکل‌های مردم‌نهاد در اجتماعات محله‌محور (CBOs) است که امروزه به‌عنوان نهادهایی با ظرفیت تمرکززدایی و مدیریت شهری، جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. در شرایط فقدان چنین عناصری، کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری امور به بخش خصوصی و غیردولتی نه تنها منجر به بهبود وضعیت و پیشرفت نخواهد شد، ممکن است با یک بحران اساسی و ریشه‌دار منجر به تضییع منابع و سرمایه‌های ملی بینجامد؛ به‌عبارت‌دیگر، تقویت و گسترش حوزه عمومی، نقشی متقدم بر تمرکززدایی و کاهش تصدی‌گری دولت دارد. با این وصف، قبل از هر چیز نیازمند بسترسازی و زمینه‌هایی هستیم که بتوان با اتکا به آنها نظام مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی را براساس آن استوار کرد (رضائی‌تبار، ۱۳۸۲).

براساس دیدگاه محله‌محوری، می‌توان مفهوم «برنامه‌ریزی محله‌مبنا» را مبتنی بر مهندسی اجتماعی مطرح کرد و به‌جای نگرش کلان و مقیاس‌های ذهنی به ابعاد مشخص فضازمان در مقیاس محلی و خرد پرداخت. این مفهوم به‌جای پرداختن به توده مکانیکی و غیرقابل مدیریت کلان شهری، به اندازه‌های قابل مدیریت و واحدهای ارگانیکی مشخص در قالب محله‌های شهری

می‌اندیشد. در این رویکرد نگاه برنامه‌ریزی و مدیریت از «پایین به بالا»، مبتنی بر توانمندسازی و تأکید بر منابع انسانی و سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنان محلات است (Bandura, 2004). این الگوی جدید برنامه‌ریزی بر نقش مشارکتی مردم و اجتماعات محلی توجه ویژه دارد و با توجه به مشخصه‌هایی چون مشارکتی بودن، رویکرد فرایندی به برنامه‌ریزی، افزایش کنترل مردم بر معیشت و زندگی روزمره و ارائه طرح‌ها و برنامه‌هایی که ارتباط بیشتری با نیازها و شرایط محلی اجتماعات دارد می‌تواند به‌عنوان الگوی مطلوب پیشرفت، در برنامه‌ریزی و مردم‌سالاری مدنظر قرار گیرد.

نکته مهم دیگر در این خصوص، توجه به یک آسیب جدی در خصوص محله‌محوری است و آن حذف عناصر محله‌ای به‌ویژه مساجد و اماکن تاریخی و فرهنگی از سطح شهرها و کم‌رنگ شدن این عناصر در ساختار محله‌ای است که در تناقضی جدی با احیای هویت ملی مذهبی و سیاست محله‌محوری قرار دارد. بدیهی است پیامد حذف این عناصر هویتی، ازهم‌گسیختگی ساختار محلات شهری، جابه‌جایی‌های جمعیتی و ازبین‌رفتن حس تعلق خاطر به مکان و محل زندگی است؛ بنابراین، توجه به ویژه به عناصر ذکرشده به‌عنوان نماد فرهنگی بومی و مذهبی محله‌ها بسیار اهمیت دارد و تردیدی نخواهد بود که هر الگویی برای مدیریت بومی و اسلامی در کشور ما و به‌طور کلی در جوامع اسلامی ارائه شود نباید نقش و جایگاه این مراکز و کانون‌های بنیادی را نادیده بگیرد (رضائی تبار، ۱۳۸۸).

۳. ارائه یافته‌های پژوهش موردی از شبکه‌سازی اجتماعی با رویکرد مسجدمحوری

در این بخش با بهره‌گیری از پیشینه نظری که در بخش قبل درباره نگرش مسجدمحوری در نظام مدیریتی حاکمیت اسلامی و تحولات فرهنگی و اجتماعی جوامع مسلمان مطرح شد و همچنین، بررسی تطبیقی که در خصوص نقش و جایگاه شبکه‌های اجتماعی، اجتماعات و سازمان‌های مردم‌نهاد محله‌محور در تحولات فرهنگی و اجتماعی جهان معاصر به‌طور مختصر به‌عمل آمد؛ خلاصه‌ای از یافته‌های دو پژوهش کاربردی به‌صورت توصیفی و میدانی با رویکرد مسجدمحوری از تأسیس شبکه‌های اجتماعی در جوامع اسلامی ارائه می‌شود که مطابق با آنچه در بخش مباحث نظری بیان شد، انجام شده است. در پژوهش نخست، ضمن بررسی مشاهدات و انجام مصاحبه و نظرخواهی از ۱۷۵ نفر از خبرگان مسئول بخش ارائه خدمات حمایتی کشور، رویکرد مسجدمحوری در ارائه خدمات حمایتی به نیازمندان و ارائه الگوی کاربردی مناسب در این زمینه مورد پژوهش قرار گرفته و نمونه آماری به اهمیت و نقش شبکه نیکوکاری با مرکزیت مساجد تأکید

داشته‌اند. در سطح دوم که به‌صورت موردی از ۱۲ مرکز نیکوکاری تأسیس شده در مساجد استان قم طی سال‌های ۹۳ و ۹۴ انجام شده نمونه ۱۱۰ نفری از ساکنان محله‌ها درخصوص توفیق این مراکز و تأسیس شبکه نیکوکاری در مساجد، مورد پژوهش میدانی قرار گرفته‌اند.

۳-۱. پژوهش توصیفی از الگوی ارائه خدمات اجتماعی با شبکه‌سازی از مساجد

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مدیران، برنامه‌ریزان و کارشناسان حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری سازمان متولی ارائه خدمات به محرومان، یعنی کمیته امداد امام خمینی (رحمة الله علیه) بوده که در دفتر مرکزی تهران و واحدهای ستادی استانی این نهاد در سراسر کشور به خدمت اشتغال داشته‌اند و به لحاظ تجربی یا نظری شناخت و توانایی لازم برای اظهارنظر درباره مسئله تحقیق و موضوع آن را داشته‌اند. با توجه به ساختار سازمانی کمیته امداد امام خمینی (رحمة الله علیه) که لزوماً طبق مناطق جغرافیایی در سراسر کشور توسعه یافته، توجه به فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و شرایط و موقعیت‌های استان‌های مختلف کشور در ارائه الگویی ملی برای هدف و عنوان پژوهش امر حساس و لازمی بود؛ از این‌رو، در این پژوهش با وجود مشکلات موجود سعی شد تا از نظر اکثریت مدیران، برنامه‌ریزان و کارشناسان حوزه مربوط در سراسر کشور، به تعداد ۱۷۵ نفر بهره‌گیری شود. این نمونه آماری در سطح خطای یک درصد و براساس نمونه‌های پیشنهادی فرمول کوکران و جدول مورگان انتخاب شده و برای جمع‌آوری اطلاعات در این طرح پژوهشی سعی شد تا علاوه بر مشارکت محقق در مراحل مختلف انجام تحقیق، از هر چهار روش عمده جمع‌آوری اطلاعات یعنی مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، مشاهدات میدانی، مصاحبه کیفی و پرسش‌نامه نظرخواهی استفاده شود. پرسش‌نامه به دو شیوه بسته و باز طراحی شد تا چنانچه گزینه موردنظر صاحب‌نظران در میان گزینه‌های مطرح‌شده محدود ننگند، پیشنهاد خود را ذیل هر موضوع یادداشت کنند. شایان ذکر است که پرسش‌نامه‌ها قبل از به‌کارگیری در سطح گسترده در سه مرحله بین تعداد محدودتری (۴۰ نفر) از سطوح مدیران و کارشناسان توزیع شد تا از روایی و پایایی آن در حد مقبول اطمینان حاصل شود. در پرسش‌نامه تحقیق تعداد ۵۶ سازه یا مؤلفه برای سنجش ابعاد فرضیه گنجانده شد که به اختصار نتایج سنجش تعدادی از مؤلفه‌ها درباره تأثیر الگوی مسجدمحوری در افزایش یا کاهش مشارکت همگانی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. سنجش تعدادی از سازه‌های فرضیه تحقیق درباره تأثیر شبکه‌سازی از مساجد

سازه (مؤلفه)	افزایش مشارکت همگانی	کاهش مشارکت همگانی	بدون تأثیر بر مشارکت همگانی	جمع
احیا و ترویج سنت‌های حسنه اسلامی در زمینه احسان و انفاق	۱۳۶	۱۰	۲۹	۱۷۵
هم‌بستگی اجتماعی	۱۱۳	۹	۵۳	۱۷۵
همگرایی مردم با دولت و نظام جمهوری اسلامی	۶۵	۲۳	۸۷	۱۷۵
رضایت اجتماعی	۶۹	۱۲	۹۴	۱۷۵
بهره‌گیری مؤثر از نیروهای افتخاری و داوطلب	۱۵۳	۱۴	۸	۱۷۵
استفاده از تجهیزات و امکانات غیردولتی برای ارائه خدمات حمایتی	۱۵۲	۱۶	۷	۱۷۵
درآمدهای حاصل از صدقات مردمی	۶۹	۱۲	۹۴	۱۷۵
درآمدهای حاصل از وجوهات امانی خیرین به نیازمندان	۱۰۲	۱۴	۵۹	۱۷۵
کمک‌ها و هدایای مردمی در مراسم خاص (جشن‌های نیکوکاری و...)	۱۲۱	۱۲	۴۲	۱۷۵
شناسایی و جذب خیرین	۱۲۵	۱۶	۳۴	۱۷۵
کارکردهای نهادهای دینی و مذهبی در حمایت از محرومین (مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و...)	۱۳۲	۹	۳۴	۱۷۵
کارکردهای نهادهای فرهنگی برای فقرزدایی (مدارس و...)	۱۰۳	۱۵	۵۷	۱۷۵
کارکردهای بنگاه‌های اقتصادی در توانمندسازی محرومین	۶۴	۱۲	۹۹	۱۷۵
استفاده از دانش و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در زمینه ارائه خدمات حمایتی و توانمندسازی محرومین	۶۳	۶	۱۰۶	۱۷۵

۱۷۵	۹۶	۲۳	۵۶	تعامل سیستم ارائه خدمات حمایتی با دولت در برنامه‌های فقرزدایی
۱۷۵	۷۸	۳۲	۶۵	تعامل و همکاری نظام ارائه خدمات حمایتی با مجلس برای اصلاح قوانین یا ایجاد سازوکارهای توانمندسازی محرومین و سازمان‌های مردم‌نهاد
۱۷۵	۵۵	۳۱	۸۹	کمک به محرومان و مسلمانان مظلوم خارج از کشور
۱۷۵	۲۰	۱۶	۱۳۹	درآمدهای غیرمستقیم برای حمایت از محرومین (شامل معافیت‌ها و بخشودگی‌های بخش دولتی، تخفیفات بخش غیردولتی و...)
۱۷۵	۲۷	۱۹	۱۲۹	کمیت حمایت‌های موردی و مساعدت به آسیب‌دیدگان حوادث و سوانح طبیعی و غیرطبیعی
۱۷۵	۵۷	۱۲	۱۰۶	کیفیت و سرعت ارائه خدمات موردی به آسیب‌دیدگان حوادث و سوانح طبیعی و غیرطبیعی

H0 با فرض صفر: بین تعامل کمیته امداد امام خمینی (رحمة الله علیه) با شبکه اجتماعی مساجد مطابق با الگوی پیشنهادی و افزایش بهره‌وری ارائه خدمات حمایتی به نیازمندان و افزایش مشارکت همگانی ارتباط معناداری وجود ندارد.

H1: بین تعامل کمیته امداد امام خمینی (رحمة الله علیه) با شبکه اجتماعی مساجد مطابق با الگوی پیشنهادی و افزایش بهره‌وری ارائه خدمات حمایتی به نیازمندان و افزایش مشارکت همگانی ارتباط معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه با بهره‌گیری از آزمون خی دو به منظور آزمون فرضیه درباره استقلال فراوانی‌هایی که در طبقه‌های مختلف قرار گرفته‌اند به کار برده شد. آزمون خی دو نشان می‌دهد که بین فراوانی‌های مشاهده‌شده در نمونه با فراوانی‌های فرضی اختلاف معناداری وجود دارد یا خیر. مقدار خی دو برای مجموع مؤلفه‌ها شامل ۵۶ سازه، مقدار ۱۹۷۰ به دست آمد که با مقایسه خی دو مبین در جدول با درجه آزادی $110 = 55 * 2 = (3-1) * (56-1)$ در سطح 0.01 با مقدار تقریبی ۱۵۵ فرض H0 رد و فرض H1 تأیید شد و نشان داد که می‌توان نتایج تحقیق را به جامعه تعمیم داد. همچنین، ضریب توافق یا ضریب وابستگی از رابطه مربوط مقدار 0.958 محاسبه شده که وابستگی بسیار

بالایی را نشان می‌دهد.

۲-۳. پژوهش موردی از شبکه نیکوکاری مساجد

این پژوهش به صورت موردی از مراکز نیکوکاری تأسیس شده به مرکزیت مساجد در سطح شهر قم به منظور مطالعه و تبیین نقش این مراکز در ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی، بازمهندسی تحولات و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی با شاخص‌هایی نظیر ارتقای معنویت، کاهش آسیب‌پذیری خانواده‌ها در ابعاد مختلف فرهنگی اجتماعی و اقتصادی و افزایش مشارکت عمومی برای حمایت از نیازمندان در سطح محله‌های شهری انجام شده است که به لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی و براساس نحوه گردآوری داده‌ها، تحقیقی پیمایشی و توصیفی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه ۱۲ مرکز نیکوکاری تأسیس شده در مساجد استان قم است. برای سنجش مؤلفه‌ها و متغیرها از ابزار تکمیل پرسش‌نامه از طریق مصاحبه با مسئولان اجرایی و مراجعان مراکز مذکور استفاده شده است. تعداد ۱۱۰ نفر به عنوان نمونه از جامعه آماری مرتبط با این مراکز به روش خوشه‌ای و مطابق فرمول کوکران انتخاب شد. پرسش‌نامه‌ها قبل از به‌کارگیری در سه مرحله بین تعداد محدودتری (۳۰ مورد) توزیع و تکمیل شد تا از روایی و اعتبار آن در حد مقبول، اطمینان حاصل شود. نظر کارشناسان و خبرگان حمایتی مسئول در کمیته امداد امام خمینی (رحمة الله علیه) در این پژوهش کمک خوبی برای بهبود روایی ابزار اندازه‌گیری ارائه کرد. برای اعتماد به اعتبار ابزار پژوهش، پرسش‌نامه‌ها در فاصله زمانی کوتاهی تکمیل و نتایج حاصل به روش آلفای کرونباخ و با بهره‌گیری از نرم‌افزار capital spss محاسبه شد و ضریب پایایی ۰/۸۵. برای آن به دست آمد که پایایی خوب و نسبتاً مناسب ابزار تحقیق را نشان می‌داد. جدول ۲ سنجش تعداد ۲۰ مؤلفه فرضیه تحقیق در خصوص تأثیرات تأسیس شبکه نیکوکاری مساجد بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان محله‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. سنجش مؤلفه‌های فرضیه تحقیق در خصوص تأثیرات تأسیس شبکه نیکوکاری مساجد

ردیف	مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی (برگرفته از سؤالات پرسش‌نامه تحقیق)	تأثیر مثبت	تأثیر منفی	بدون تأثیر	جمع
۱	توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه فعالیت‌های اجتماعی	۹۵	۶	۹	۱۱۰
۲	توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه تحولات فرهنگی	۷۸	۵	۲۷	۱۱۰

۱۱۰	۱۸	۳	۸۹	سرعت در ارائه خدمات اجتماعی	۳
۱۱۰	۳۲	۴	۷۴	حفظ عزت و کرامت نفس نیازمندان در اخذ خدمات حمایتی	۴
۱۱۰	۲۹	۰	۸۱	احیا و ترویج سنت‌های حسنه اسلامی	۵
۱۱۰	۳۶	۵	۶۹	همگرایی مردم با دولت و نظام جمهوری اسلامی	۶
۱۱۰	۱۲	۰	۹۸	بهره‌گیری از کارکردهای نهادهای دینی و مذهبی در امور فرهنگی و اجتماعی	۷
۱۱۰	۴۳	۲	۶۵	بسترسازی محلی و بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی	۸
۱۱۰	۳۵	۱	۷۴	شناسایی استعدادها و توانمندی‌های فرهنگی و اجتماعی اقشار مختلف مردم	۹
۱۱۰	۴۳	۴	۶۳	سرعت در مساعدت به آسیب‌دیدگان حوادث و سوانح طبیعی و غیرطبیعی	۱۰
۱۱۰	۴۴	۷	۵۹	هم‌بستگی و سرمایه اجتماعی	۱۱
۱۱۰	۲۰	۳	۸۷	در دسترس بودن خدمات اجتماعی و فرهنگی برای جامعه هدف	۱۲
۱۱۰	۴۶	۲	۶۲	دستیابی آسان مردم به اطلاعات موردنیاز فرهنگی و اجتماعی	۱۳
۱۱۰	۲۲	۴	۸۴	تعامل سازمان‌های مردم‌نهاد با مجلس و مراکز قانون‌گذاری	۱۴
۱۱۰	۱۹	۲	۸۹	تعامل سازمان‌های مردم‌نهاد با دولت و مراکز اجرایی	۱۵
۱۱۰	۴۸	۲	۶۰	تعامل سازمان‌های مردم‌نهاد محلی و داخلی با سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی	۱۶
۱۱۰	۳۷	۹	۶۴	امنیت محلی و ملی	۱۷
۱۱۰	۳۱	۰	۷۹	ارتقای شاخص‌های بهداشتی و کیفیت زندگی مردم به‌ویژه محرومان	۱۸
۱۱۰	۳۹	۰	۷۱	کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی به‌ویژه جوانان و نوجوانان	۱۹
۱۱۰	۴۴	۱	۶۵	مبارزه با هجمه‌های فرهنگی	۲۰

H0 یا فرض صفر: تأسیس شبکه نیکوکاری در مساجد محله‌ها تأثیر مثبتی در ارتقای شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان محله ندارد.

H1: تأسیس شبکه نیکوکاری در مساجد محله‌ها تأثیر مثبتی در ارتقای شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان محله دارد.

مقدار χ^2 برای جدول ۲ برابر با ۴۹۸ به دست آمد که با مقایسه χ^2 دو مبنی در جدول با درجه آزادی $df = (3-1) * (20-1) = 19 * 2 = 38$ در سطح 0.01 با مقدار 61.162 فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید شد و نشان داد که می‌توان نتایج تحقیق را به جامعه تعمیم داد. همچنین، ضریب توافق یا ضریب وابستگی از رابطه مربوط مقدار 0.879 محاسبه شده که وابستگی بالایی را نشان می‌دهد؛ بنابراین، نتیجه آزمون فرضیه بیان می‌دارد «بین ایجاد مراکز نیکوکاری به مرکزیت مساجد در محله‌های شهر قم با رشد شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان محله‌ها رابطه معناداری وجود دارد».

۴. یافته‌ها و تحلیل نتایج

نگاه آینده‌پژوهانه به تدوین الگوی کاربردی و اجتماعی، طراحی استراتژیک و تحلیل راهبردی در محیط درونی و برون‌الگوی اسلامی ایرانی، متغیرها و محیط‌های متمایز طلب می‌کند که با مدل‌ها و نظریه‌های مدیریتی و راهبردی غربی قابل تحلیل و طرح‌ریزی چندانی نخواهد بود. زیرا معیار عمده در نظریه‌ها و تئوری‌های راهبردی غربی، بر تحلیل هزینه‌فایده و رقابت بازاری مبتنی است که بیشتر مقطعی و در محیط یا فضای تک‌بعدی مادی صورت می‌گیرد و ارزش‌های انسانی و معنوی در این مدل‌ها جایگاهی ندارد. در حالی که، بایسته‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و عدالت ایجاد می‌کند طراحی و تحلیل راهبردی نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی در عرصه تحولات ملی و جهان اسلام در فضایی تعاملی و قابل رشد معنوی انجام شود که مسلماً پیشرفت در جنبه معنوی و ارزش‌های الهی و انسانی در آن اگر بر جنبه‌های مادی توسعه، غلبه و برتری نداشته باشد، حداقل با آن هم‌سنگ است.

تدوین و ارائه مدل‌های بومی در حوزه علوم انسانی اسلامی که پیچیدگی‌های حاصل از شاخص‌ها و معیارهای توأم مادی و معنوی را به صورت علمی و راهبردی تبیین و تحلیل کند، پیش از هر چیز و بیش از همه به تحول دیدگاه‌ها، رویکردها و سابقه‌های ذهنی مانوس با تئوری‌های تحلیل بازاری غربی نیاز دارد. این تحول به هیچ عنوان نباید به معنای انکار یافته‌های ارزشمند علمی پژوهشی و کنار انداختن ابزار مدرج و سودمند اندیشمندان و نظریه‌پردازان قرون اخیر جهان

معاصر تعبیر و تفسیر شود. چراکه این ابزار و تئوری‌های ارزشمند بر دانایی و توانایی بشر امروزی افزوده و تاحدزیادی او را بر طبیعت و قوانین طبیعی و غریزی آگاه و مسلط کرده است. اما نکته اصلی در اینجا است که رسالت و بیانیه مأموریت الگوی عدالت‌محور اسلامی ایرانی پیشرفت، مطابق تبیین مختصات آن توسط مقام معظم رهبری و تالی سیره ارزشمند و رهنمودهای روشنگرانه بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی، با پارادایم‌ها، تئوری‌ها، چهارچوب‌های ذهنی و ساختار انقلاب علمی غربی مقصد مشترکی ندارد؛ هرچند فصل مشترکی در زمینه پیشرفت و توسعه مادی اقتصادی و رفاه اجتماعی خواهد داشت؛ بنابراین، ورود به چنین مرزهای علمی نظریه‌پردازی در فضای چندبعدی معنوی و خروج از فضای تک‌بعدی مادی، الزاماً تحول دیدگاه‌ها، تغییر متغیرها و شاخص‌ها در حوزه علوم انسانی و رفتاری به‌ویژه در دانش مدیریت و علوم اجتماعی را برای اندیشمندان، فرهیختگان و نظریه‌پردازان اسلامی ایرانی در پی خواهد داشت.

تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پژوهش موردی میدانی که از تدوین الگوی مسجدمحوری در ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی و در قالب شبکه‌سازی از مراکز نیکوکاری به مرکزیت مساجد انجام شد نشان می‌دهد که از نظر آن مراکز و خانواده‌های ساکن در محله‌های ذکرشده، تأسیس مراکز نیکوکاری به دلیل ارتباط بیشتر مردم محله با مساجد، بر رشد شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی و به‌ویژه ارتقای معنویت و کاهش آسیب‌های اجتماعی خانواده تأثیر مثبت داشته و تفسیر نتایج آزمون کای دو مبین این موضوع است که مدیریت محلی از طریق این مراکز در مقایسه با وضعیت قبلی، با اختلاف معناداری منجر به تحولات نسبی فرهنگی و خدمات اجتماعی شده است؛ بنابراین، تعمیم این الگو به برنامه‌ها و فعالیت‌های تأثیرگذار و موردنظر در قالب یک ساختار تحولی، الگوی مدون ملی و بازمهندسی فرهنگی و اجتماعی مورد تأکید این مقاله است.

۵. نتیجه‌گیری

تحول بنیادی در حوزه علوم انسانی و الگوسازی راهبردی به‌ویژه در عرصه تحولات فرهنگی و اجتماعی، ضمن عبور از مرزهای نظریه‌پردازی مرسوم جهان معاصر و ورود به افق‌های جدید دانش و معرفت بشری، طبیعتاً با ابهام، پیچیدگی و مشکلاتی مواجه خواهد بود. آنچه اندیشمندان، فرهیختگان و نظریه‌پردازان اسلامی ایرانی را بر این سطح پیچیدگی و ابهام مسلط می‌کند نگرش عمیق و راهبردی به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های گذشته شرایط، معادلات و تحولات جهانی عصر حاضر و موقعیت فعلی ایران اسلامی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است که چشم‌انداز و افق زمانی درخشانی در مسیر احیای مجدد تمدن شکوهمند اسلامی ایرانی فراروی ما قرار می‌دهد.

نگاهی راهبردی به چشم انداز و افق آینده با نگاهی عبرت گیرانه به افق درخشان گذشته در فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و پس از سال‌های دراز غفلت و رخوت، بصیرت و پتانسیل لازم در پیمودن راه دشوار، پیچیده و گاه مبهم پیشرفت و عدالت را در دهه آتی پیش روی ما قرار می‌دهد که ابزار، اسباب و سرمایه لازم برای پیمودن این راه طی بیش از سه دهه گذشته از انقلاب اسلامی، در اختیار نسل فعلی و آینده قرار گرفته است.

آنچه از الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت نیاز است و باید به آن توجه مضاعف شود، ایجاد بسترها و زمینه‌های لازم برای باز مهندسی تحولات فرهنگی و اجتماعی و همچنین، تقویت و رشد دائمی سرمایه‌های بی‌بدیل اجتماعی و انسانی است؛ سرمایه اجتماعی حاصل از هم‌افزایی و هم‌بستگی انسان‌هایی مؤمن، فرهیخته و مجهز به ابزار علم و فناوری و ارزش‌های اخلاقی و معنوی در لایه‌ها و سطوح مختلف اجتماعی که باید در قالب تشکل‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های اجتماعی سازماندهی شده و به حرکت درآیند که مناسب‌ترین و بهترین قالب و الگورا پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله) در اولین روزهای ورود به مدینه‌النبی با نام مقدس مسجد پایه‌ریزی کرد تا سنگ بنای اجتماعات جامعه مسلمانان و قوه محرکه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی امت اسلامی باشد.

این مقاله با رویکرد توصیفی و با ذکر نمونه‌ای موفق از تأسیس مراکز نیکوکاری توسط کمیته امداد امام خمینی (رحمة الله علیه) به مرکزیت مساجد بر اهمیت و جایگاه مساجد در باز مهندسی ساختارها و به‌ویژه عرصه خدمات اجتماعی و حمایتی تأکید می‌کند که براساس آن، مساجد محله‌ها به‌عنوان حلقه‌ها و سلول‌های بنیادین، بستر تحقق مردم‌سالاری دینی و مشارکت توأم دولت و مردم را در مدیریت تحول ساختارهای فرهنگی و اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کنند و در نتیجه در برنامه توسعه اجتماعی کشور از جنبه‌های هویتی، توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر چندوجهی خواهند داشت.

نتایج حاصل از پژوهش، توفیق ظرفیت‌ها و کارکردهای مختلف شبکه‌سازی از مساجد را به‌ویژه در جهت احیای آموزه‌های دینی در زمینه انفاق و نوع دوستی، دستگیری از نیازمندان و همسایگان و متعاقب آن، افزایش هم‌بستگی اسلامی و سرمایه اجتماعی در سطح محله‌ها نشان می‌دهد. در نتیجه الگوی پیشنهادی، باز مهندسی اجتماعی و فرهنگی از طریق مدیریت مسجد محوری و شبکه‌سازی چندبُعدی اجتماعی برای استفاده از ظرفیت بکر اجتماعات مردمی محله‌محور به مرکزیت و محوریت مساجد هر محله است که به ابعاد مختلف، ظرفیت‌ها و کارکردهای آن به‌طور مختصر در این مقاله اشاره شد اما بنابر اهمیت و گستردگی موضوع مطالعات بعدی محققان و صاحب‌نظران حوزه علوم انسانی اسلامی را طلب می‌کند.